



## دارو در ازبکستان

دکتر فریدون سیامک نژاد

تاشکند، پایتخت ازبکستان به زمین نشست. ۳- مراحل قانونی ورود به کشور ازبکستان خیلی طبیعی و به سرعت انجام شد و در بیرون فرودگاه فردی که منتظر ما بود به اصطلاح ما را تحویل گرفت و با یک سواری ساخت روسیه راهی هتل محل اقامت شدیم. البته در مسیر فرودگاه تا هتل متوجه شدیم که کره جنوبی کارخانه دوو را نیز در ازبکستان برپا کرده و رفته رفته ماشین‌های دوو (فعلاً سه مدل در ازبکستان ساخته می‌شود و برای سه قشر اقتصادی مختلف) جایگزین ماشین‌های روسی می‌شوند. البته به دلیل قیمت بالای بنزین در ازبکستان در مقایسه با ایران، که تقریباً در همه جای دنیا به همین صورت است (هر لیتر بنزین در ازبکستان حدود ۲۲۰ تومان است) تعداد ماشین‌های در حال تردد خیلی کم است. البته این نکته را هم اشاره کنم که در ازبکستان باز هم مانند اکثر کشورهای جهان قیمت ماشین ارزان و

۱- وقتی پرواز شما با یک پرواز زیارتی هم‌زمان می‌شود، طبیعی است مسیری را که برای خروجی باید ده دقیقه طی کنی، حدود چهل دقیقه طول بکشد. روز جمعه اول شهریور ماه سال ۸۱، این اتفاق برای ما پیش آمد و با هزار زحمت پاسپورتمان مهر خروجی خورد و در سالن انتظار، منتظر سوار شدن هواپیما شدیم. ۲- از تأخیر هواپیما به عنوان یک اصل اجتناب‌ناپذیر که قرار بود ساعت ۸/۱۵ صبح انجام شود، ولی ساعت ۹/۲۰ دقیقه اتفاق افتاد که بگذریم، پس از دو ساعت و نیم پرواز، هواپیمای ایرباس ۳۱۰ هواپیمایی جمهوری اسلامی در ساعت ۱۲/۲۰ دقیقه به وقت محلی (آن‌ها فعلاً نیم ساعت از ما جلوترند و ایضاً فعلاً جای شکرش باقی است، چرا که ممکن است چشم باز کنیم و متوجه شویم که در گیرودار کشمکش‌های داخلی، این نیم ساعت چیزی حدود ده‌ها سال شده است) در فرودگاه

قیمت بنزین گران است. در این مسأله هم ما با دیگران متفاوت هستیم!

۴- پس از استقرار در هتل و استراحتی مختصر برای صرف ناهار راهی شهر تاشکند شدیم. قومیت‌های مختلف و پارک‌های متعدد دو شاخصه آشکار شهر بود. شهر دارای ۲۹ کیلومتر خط مترو است و تردد درون شهری با مترو خیلی ارزان‌تر از وسایل نقلیه دیگر است و به همین دلیل مترو شهر تاشکند خیلی شلوغ است. تاکسی خیلی کم است و خیلی از اتومبیل‌های شخصی مسافرکشی می‌کنند. البته به دلیل بالا بودن قیمت بنزین کرایه‌ها بالاست و چیزی حدود ده برابر هزینه تردد با مترو است.

۵- روز شنبه را به گشت‌زنی در تاشکند گذراندیم و از جاهای دیدنی آن بازدید کردیم. از یکستان بعد از استقلال قرار بود که خط فارسی را انتخاب کند که قبل از استقلال در آنجا مرسوم بود، ولی به دلیل اصرار ترکیه که با کمک امریکا صورت گرفت، خط آن‌ها فعلاً خط لاتین است. البته هنوز در بعضی از اماکن تاریخی و قدیمی خط فارسی دیده می‌شود. مثلاً بر سر در یکی از مساجد بزرگ و قدیمی تاشکند به فارسی نوشته بود: «مسجد اوکالدانش». البته کلمات فارسی زیاد بود که با خط لاتین نوشته بودند. بر سر در تمام دکه‌های روزنامه فروشی با حروف لاتین نوشته بود: مطبوعات. رستوران‌های زیادی هم با نام‌های فارسی و حروف لاتین وجود داشت مثل: دلگشا، یوسف آباد و گلستان. ضمناً یکی از ایستگاه‌های مترو نیز نامش «بادام‌زار» بود. نام مترجم ما نیز «شیرعلی» بود و تمام این‌ها حکایت از نزدیکی فرهنگ ایران و ازبکستان دارد. این را هم اضافه کنم که کشور

ازبکستان با کشورهای قزاقستان، ترکمنستان افغانستان، قرقیزستان و تاجیکستان هم‌مرز است.

۶- روز یکشنبه صبح با یک سواری دو همراه با یک مترجم جوان که تازه از دانشگاه تاشکند در رشته مدیریت اقتصاد فارغ‌التحصیل شده بود راهی بخارا شدیم. مسیر ۶۰۰ کیلومتری تاشکند تا بخارا را حدود ۶/۵ ساعت طی کردیم. قبل از مستقر شدن در هتل بخارا، از چند جای تاریخی بخارا دیدن کردیم و نماز ظهر و عصر را هم در مسجد کلان (مسجد جمعه) شهر بخارا خواندیم. مسجدی بزرگ و قدیمی با مناری بسیار بلند به نام «منار کلان» که نماز جمعه نیز در آنجا برگزار می‌شود. در بخارا کمتر احساس غربت می‌کنی زیرا خیلی‌ها زبان فارسی را متوجه می‌شوند و وقتی هم متوجه می‌شوند ایرانی هستی که دیگر نور علی نور است. البته زبان فارسی آن‌ها زبان فارسی تاجیکی یا همان فارسی دری است که ما به سختی متوجه می‌شویم، ولی آن‌ها راحت‌تر فارسی را می‌فهمند.

۷- روز دوشنبه از بخارا عازم سمرقند شدیم و مسیر ۳۰۰ کیلومتری بخارا به سمرقند را حدود ۳/۵ ساعت طی کردیم و پس از کمی پرس و جو در مقابل کارخانه داروسازی دکتر عبیدی در سمرقند از ماشین پیاده شدیم و همراه با آقای دکتر گنجی مدیر پروژه کارخانه که منتظر ما بود وارد کارخانه شدیم. مجسمه تمام قد زکریای رازی در حیاط ورودی کارخانه، و مجسمه نیم تنه دکتر عبیدی در ورودی ساختمان، اولین چیزهایی بود که جلب توجه می‌کرد.

۸- آقای دکتر عبیدی بیش از ۷ سال است که در ازبکستان کار دارویی می‌کند. ثمره این مدت کار

ثبت ۲۶ قلم داروهای تولیدی خودشان است که فعلاً ۲۲ قلم آن‌ها در بازار موجود است (عمدتاً در سمرقند). از یک سال پیش تصمیم گرفتند کارخانه احداث کنند. ۷ درصد سهام کارخانه متعلق به ازبک‌ها، و بقیه متعلق به دکتر عبیدی و چند نفر دیگر که از نزدیکان ایشان هستند می‌باشد. کارخانه در چهار طبقه ساخته شده و نمای خارجی و دیوارهای داخلی، حتی اطاق‌های اداری نیز از سنگ مرمر طوسی پوشیده شده که قطعاً از گچ دوام بیشتری دارد. طبقه اول کارخانه اختصاص به محصولات آرایشی بهداشتی، طبقه دوم اختصاص به قرص، طبقه سوم اختصاص به کپسول و طبقه چهارم نیز احتمالاً اختصاص به تولید آنتی‌بیوتیک‌ها دارد. قسمتی از کارخانه به تولید سرنگ با شراکت کارخانه ورید مشهد اختصاص دارد. همان گونه که ذکر شد ساخت کارخانه از یک سال پیش شروع شده و در حال نصب ماشین‌آلات هستند. در زمان سفر آقای خاتمی رئیس‌جمهور به سمرقند، بخش قرص‌سازی افتتاح آزمایشی شد. حدود چهار روز هم قرص سرماخوردگی بزرگسالان تولید کردند که تولیدشان در کارخانه موجود بود.

۹- در کنار هر طبقه محلی جداگانه برای انبارهای تولیدی همان بخش اختصاص یافته است. البته در مورد داروهای آرام‌بخش که تحت نام داروهای نارکوتیک طبقه‌بندی می‌شود بسیار سختگیر هستند و تنها پنج داروخانه شهر حق فروش این گونه داروها، مثل دیازپام را دارند. برای انبار داروهای آرام‌بخش مثل دیازپام نیز باید محل جداگانه‌ای در کارخانه تعبیه شده، و دیوارهای انبار با ورق‌های آهنی پوشیده شود. داروهای دکتر عبیدی عمدتاً با اسامی تجاری قبل

از انقلاب اسلامی ایران مثل کدیمال، کوریزان میالژین و پیرادین که به ترتیب عبارتند از: آسپیرین کدئین، سرماخوردگی بزرگسالان، پماد منتول سالیسیلات و شربت اکسپکتورانت کدئین در ازبکستان ثبت شده و قرار است با همین اسامی نیز ساخته شوند.

۱۰- برای اینکه مقایسه‌ای بین قیمت داروهای موجود در ازبکستان با ایران داشته باشیم، قیمت برخی از داروها را متذکر می‌شوم. البته داروهای ازبکستان عمدتاً ساخت روسیه است. بعد از آن بیشترین داروها مربوط به کارخانه لک (LEK) کشور اسلونی و ریختر (RG) «RIKHTER - GIDEON» مجارستان است. چند کارخانه کوچک داروسازی در ازبکستان وجود دارد که تنها قرص می‌سازند و کیفیت بسته‌بندی آنها بسیار پایین است. از دیگر کشورهای استقلال یافته شوروی سابق هم دارو وجود دارد. مقدار داروهای غربی فوق‌العاده کم است (۳ تا ۵ درصد) و از این نظر بازار دارویی ازبکستان با ۲۴ میلیون نفر جمعیت، بسیار بکر است. واحد پول ازبکستان «صوم» است. ارزش صوم در مبادلات دولتی پایین است و این مساله تجارت را در آنجا مشکل کرده و اکثر تجار غیرقانونی کار می‌کنند. دلار در ازبکستان سه قیمت دارد. هر دلار در مبادلات دولتی حدود ۷۴۰ صوم است. در بانک‌ها با ارایه مدارک توریستی، هر دلار ۱۰۸۰ صوم است. در بازار آزاد نیز هر دلار حدود ۱۲۵۰ صوم خرید و فروش می‌شود. با توجه به اینکه نرخ تبدیل دلار به صوم در داروخانه‌ها عمدتاً همان ۱۰۸۰ صوم است بنابراین قیمت برخی داروها در ازبکستان به شکل زیر است:

۱- قرص مترونیدازول واژینال (ده عدد) - لک اسلونی	۱۸۴۰۰ ریال
۲- ویال آمپی سیلین ۵/۰ گرمی - ساخت روسیه	۱۶۰۰ ریال
۳- قرص مترونیدازول خوراکی (۲۰ عدد) - ریختر مجارستان	۱۶۹۵۰ ریال
۴- قرص رانیتیدین (۲۰ عدد) - ساخت لیتوانی	۱۰۲۲۰ ریال
۵- کپسول مولتی ویتامین (۱۰۰ عدد) - ساخت دکتر عبیدی	۱۶۵۰۰ ریال
۶- کرم زوویراکس ۲ گرمی - ولکام انگلستان	۵۱۸۵۰ ریال

مسأله را لحاظ کند که برای تثبیت در بازار دارویی ازبکستان، دارو را در عین حفظ کیفیت، ارزان عرضه کند.

۱۲- اکثر داروخانه‌های ازبکستان خصوصاً در شهرهایی مثل سمرقند و بخارا و حتی در خود تاشکند نیز کوچک (حدود ۲۰ تا ۲۵ مترمربع) هستند و تک و توک داروخانه بزرگ دیده می‌شود. رعایت فاصله برای داروخانه الزامی نیست. اصولاً مصرف دارو پایین است، زیرا قیمت دارو گران و وضع اقتصادی مردم نامناسب است. به‌طور مثال یکی از ده داروخانه بزرگ سمرقند در روز حدود ۳۰۰ مراجعه کننده دارد که از این تعداد فقط ده درصدشان دارو تهیه می‌کنند. خرید دارو عمدتاً بدون نسخه است. بیمار، مریضی خود را به داروساز می‌گوید و او هم دارو را می‌دهد. این طوری برای مریض ارزان‌تر تمام می‌شود. تمام داروها به غیر از داروهای آرام بخش بدون نسخه داده می‌شود. اگر مریض در مراجعه به داروخانه داروی مشخصی را بخواهد که هیچ، ولی اگر انتخاب را به عهده داروساز بگذارد، معمولاً برای سود بیشتر داروی گران‌تر به بیمار عرضه می‌شود.

۱۳- داروخانه‌ها دارو را از عمده‌فروشی‌ها می‌خرند. دلیل آن هم این است که سیستم توزیع

مقایسه این قیمت‌ها با قیمت دارو در ایران نشان می‌دهد که اولاً چقدر قیمت دارو در ایران ارزان است، و ثانیاً چقدر جا دارد که ایران در بازار بزرگ ازبکستان کار کند و از این بابت کار آقای دکتر عبیدی جای تقدیر دارد و دیگر تولیدکنندگان دارو در ایران باید توجه بیشتری به این بازار داشته و به آقای دکتر عبیدی در کاری که شروع کرده یاری رسانند.

۱۱- تعداد داروخانه‌های تاشکند ۱۰۰۰ باب است که ۲۰۰ داروخانه دولتی می‌باشند. جالب توجه است بدانید که داروخانه‌های دولتی محبورند تمام حقوق دولت را پرداخت کنند ولی داروخانه‌های خصوصی برای واردات دارو مالیات نمی‌دهند. به همین دلیل هم دارو در داروخانه‌های دولتی گران‌تر از داروخانه‌های خصوصی است. مردم بیشتر داروهای روسی که ارزان‌تر هم هست می‌خرند. خرید داروهای روسی به خاطر اعتماد و هفتاد سال سلطه شوروی سابق است. داروخانه‌ها باید داروهای نوشته شده در نسخه را بدهند، ولی به مریض داروهای مشابه روسی و ارزان را پیشنهاد می‌کنند و مردم هم به لحاظ وضع اقتصادی عمدتاً داروی ارزان می‌خرند. بنابراین کارخانه داروسازی دکتر عبیدی در سمرقند باید این

به شکل ایران در ازبکستان موجود نیست. میزان دارو در داروخانه‌ها عمدتاً به صد قلم نمی‌رسد که معمولاً از هر دارویی یک تا دو بسته بیشتر وجود ندارد. دلیل آن هم عدم گردش مالی بالا در داروخانه‌ها است. در یک کلام، مجموع داروهای موجود در یک داروخانه بزرگ ازبکستان به اندازه ۵ درصد داروهای موجود در یک داروخانه کوچک ایران نیست. سود دارو حدود ۱۵ درصد برای داروخانه است، البته داروها قیمت مصرف‌کننده ثابت ندارند و داروخانه‌ها خودشان قیمت را به وسیله برچسب روی دارو می‌زنند. به همین دلیل خیلی از مراجعه‌کنندگان به داروخانه‌ها فقط برای اطلاع از قیمت دارو مراجعه می‌کنند و در نهایت دارویشان را از داروخانه‌ای می‌خرند که ارزان‌تر می‌دهد. بد نیست این را هم بدانید که خیلی از داروخانه‌ها نام مشخصی ندارند و بر سر در آنها نوشته شده: داروخانه. البته این نام با حروف لاتین نوشته شده ولی نزدیکی نام را به فارسی نشان می‌دهد. ۱۴- در اکثر داروخانه‌ها فقط یک نفر دکتر داروساز کار می‌کند و حقوق داروساز نیز ماهیانه حداکثر ۵۰ دلار است. ساعت کار داروخانه‌ها عمدتاً از ۱۰ صبح تا ۶ بعدازظهر به صورت یکسره است. داروخانه‌ها آنقدر خلوت هستند که دکتر داروساز معمولاً از بیکاری یک صندلی جلوی در داروخانه گذاشته و نشسته است. بد نیست این را هم بدانید که داروخانه‌ای در تاشکند در ورودی راه‌روی زیرزمینی ایستگاه متروی «یونس رجبی» قرار داشت و روزانه ۳۰ تا ۴۰ نفر مراجعه‌کننده بیشتر نداشت که عمدتاً وسایل بهداشتی طلب می‌کردند. ۱۵- هر سال ۴۰۰ داروساز از تنها دانشکده

داروسازی ازبکستان که در شهر تاشکند واقع است فارغ‌التحصیل می‌شوند که درصد بالایی از آن‌ها بیکار می‌مانند. دوره داروسازی در ازبکستان ۵ سال است. البته بد نیست این را هم بدانید که خیلی از داروخانه‌ها بعد از مدت کوتاهی به دلیل عدم گردش مالی تعطیل می‌شوند.

۱۶- قبل از خاتمه بد نیست این را هم بدانید که در بعضی کشورها بعضی مسایل برعکس است. مثلاً در همین کشور ازبکستان چای را در پیاله‌های چینی می‌خورند و چیز (عرق سابق!) را در استکان!

۱۷- در خاتمه ضمن تقدیر از کار بزرگی که آقای دکتر عبیدی در ازبکستان و در شهر سمرقند شروع کرده‌اند و آرزوی موفقیت برای ایشان به منظور اعتلای داروسازی ایران در کشور ۲۴ میلیونی ازبکستان، و همچنین آرزوی حرکت‌های دیگر از سوی کارخانه‌های داروسازی ایران، از وزارت بهداشت و معاونت دارویی این وزارتخانه می‌خواهیم که از هیچ کمکی به آن‌ها دریغ نکنند. چرا که ما با توجه به رشد داروسازی در کشورمان می‌توانیم در ازبکستان و سایر کشورهای این چنینی قدم‌های مثبتی برداریم و در این راه وزارت بهداشت و سایر سازمان‌های ذیربط و خصوصاً معاونت دارویی نقش تعیین‌کننده‌ای دارند و باید بیش از پیش در این راه فعال باشند.

